

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۱

ص ص ۴۴-۲۱

رسانه‌های جمعی، هویت‌یابی اجتماعی و سرمایه اجتماعی دانشجویان^۱

داود ابراهیم‌پور^۲

دکتر غلامعباس توسلی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۲

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۳/۵/۳

چکیده

مقاله حاضر به بررسی رابطه بین بهره‌گیری از رسانه‌های جمعی و هویت‌یابی اجتماعی دانشجویان با میزان سرمایه اجتماعی آنان پرداخته است. با مرور پیشینه نظری و تجربی این دو مفهوم، تعریف هویت بازانديشانه آنتونی گیدنز از هویت‌یابی در دنیای مدرن ملاک تقسیم‌بندی هویت اجتماعی سنتی و مدرن و طبقه‌بندی استون و هیوز از سرمایه اجتماعی ملاک اندازه‌گیری و تقسیم‌بندی انواع سرمایه اجتماعی قرار گرفته است. در تحقیق حاضر که به شیوه پیمایشی انجام گرفته، از دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های دولتی تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹، ۳۸۱ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم هر طبقه (رشته تحصیلی دانشجویان) انتخاب و مورد پرسش قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج تحقیق، نسبت دانشجویانی که دارای هویت اجتماعی مدرن بوده و دارای سرمایه اجتماعی متوسط و پایین هستند، بیشتر از کسانی است که از نظر هویت اجتماعی در رده سنتی قرار داشته و از نظر سرمایه اجتماعی در رده متوسط و زیاد قرار دارند. تحلیل داده‌های جدول تقاطعی دو متغیر هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بیان‌گر آن است که هرچه دانشجویان از از هویت سنتی فاصله گرفته و در رده مدرن قرار می‌گیرند، میزان سرمایه اجتماعی آنان کاهش می‌یابد. دانشجویان سنتی‌تر دارای سرمایه اجتماعی بیشتری نسبت به دانشجویان مدرن می‌باشند. دانشجویان شهری از سرمایه اجتماعی نهادی و دانشجویان روستایی از سرمایه اجتماعی فردی بالایی برخوردارند.

واژگان کلیدی: رسانه‌های جمعی، سرمایه اجتماعی، هویت اجتماعی، هویت بازانديشانه.

۱. مقاله حاضر بر اساس گزارش نهایی رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران که در سال ۱۳۹۰ تحت عنوان «تحلیل اثرات رسانه‌های جمعی بر سرمایه اجتماعی جوانان با تاکید بر تلویزیون و ماهواره» انجام یافته است؛ تدوین و ارائه گردیده است.

۲. دانش‌آموخته دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران- ایران.

۳. استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران- ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

تغییرات اجتماعی به‌وقوع پیوسته از قرن هفدهم به بعد در تمامی جوامع اروپایی و به تبع آن اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در زمینه‌های تولید، شهرنشینی، سطح سواد و کیفیت زندگی، ساختارهای جوامع را با تحولات شگرفی مواجه ساخته و اثرات این تغییرات در زمینه‌های مختلف روابط اجتماعی (که نمود آن در بحث سرمایه اجتماعی در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است) و نگرش افراد نسبت به هویت اجتماعی خود، از زمینه‌های تحقیقاتی جذاب برای جامعه‌شناسی به شمار می‌رود. این مقاله در پی آن است که با استفاده از تئوری‌های رایج در حوزه سرمایه اجتماعی و با استفاده از شاخص‌ها و معرف‌های این مفهوم، به اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تبریز پرداخته و آن را با مفهوم هویت اجتماعی در ارتباط قرار دهد تا هویت اجتماعی افراد را به عنوان متغیر مستقلی که می‌تواند در افزایش یا کاهش سرمایه اجتماعی آن‌ها اثرگذار باشد، مطرح کند.

مقاله حاضر در پی پاسخگویی به این سوال است که هویت اجتماعی افراد چگونه می‌تواند بر سرمایه اجتماعی و ابعاد آن مانند اعتماد اجتماعی اثرگذار باشد و وضعیت این دو متغیر در دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تبریز چگونه است؟

برای پاسخ به این سوال با رجوع به آراء و اندیشه‌های برخی جامعه‌شناسان برجسته مانند پی‌یر بوردیو، جیمز کلمن، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما، تعاریف و الگوهای مطالعه سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته و با استفاده از چارچوب نظری مبتنی بر نظریه آنتونی گیدنز در مورد هویت اجتماعی و مدل ترکیبی سنجش سرمایه اجتماعی، دانشجویان دانشگاه‌های دولتی تبریز مورد مطالعه قرار گرفته‌اند تا معنی‌داری رابطه بین میزان مدرن یا سنتی بودن هویت اجتماعی دانشجویان با میزان سرمایه اجتماعی آنان و معنی‌داری تفاوت بین گروه‌های مختلف دانشجویان از نظر پایگاه اجتماعی-اقتصادی، محل سکونت و زندگی (شهری و روستایی)، رشته تحصیلی و ... به لحاظ هویت اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی، از نظر آماری مورد آزمون قرار گیرد.

هویت اجتماعی افراد بخش مهمی از هستی اجتماعی آن‌هاست که در پرتو آن رفتارها و کنش‌های اجتماعی آنان معنا و مفهوم یافته و چارچوب‌های تعیین‌گر دیده از سوی جامعه برای تنظیم و کنترل این رفتارها در افراد شکل می‌گیرد.

سرمایه اجتماعی که پدیده‌ای نشأت گرفته از شکل و نوع روابط اجتماعی بین کنشگران اجتماعی است، مستقیماً با آن چارچوب‌های رفتاری که کنشگران در طول جریان جامعه‌پذیری در خود درونی کرده و با الگوگیری از عناصر آن، به ساختن هویت فردی و اجتماعی خویش نائل گشته‌اند، ارتباط دارد. بنابراین همه عواملی که در جامعه‌پذیر کردن افراد تاثیر دارند، اعم از نهاد خانواده و ساختار روابط اجتماعی حاکم بر آن، نهاد آموزش و پرورش و الگوی تربیتی حاکم بر آن، رسانه‌های جمعی و نوع پیام-

های ارائه شده به وسیله آن و عوامل دیگری مانند سنت‌های اجتماعی و میزان الزام اعمال شده از سوی جامعه بر افراد جهت پیروی از این سنت‌ها و میزان آزادی آنان در ابداع و نوآوری در زمینه رفتارهای اجتماعی، محل سکونت، میزان تحصیلات و رشته تحصیلی، طبقه اجتماعی - اقتصادی و جنسیت افراد در شکل‌گیری و حفظ و تداوم و یا زوال سرمایه اجتماعی می‌توانند تاثیر قابل توجهی داشته باشند (Stone, 2001: 45).

اگر ساختار عوامل شکل دهنده به هویت اجتماعی افراد جامعه طوری شکل گرفته باشد که از دل این ساختار هویت افراد در یک فرایند متقابل اثرگذاری بین فرد و جامعه از خصلتی بازاندیشانه که در آن افراد ضمن اثرپذیری از عناصر اجتماعی متعلق به ساختارها، از حدی از آزادی عمل در برخورد با این عناصر ساختاری برخوردار بوده و در جریان یک تلفیق بین عاملیت خود و ساختارهای اجتماعی دست به تعریف و بازتعریف از هویت اجتماعی خود بزنند و از هویتی فاصله گرفته از سنت برخوردار گردند، انتظار می‌رود که در جامعه‌ای که عناصری از مدرنیته و فرهنگ مدرن (هر چند به صورت نامتوازن و اندک) در آن نفوذ کرده است، شکلی از سرمایه اجتماعی را در این جامعه به وجود می‌آورد که با آن چه در یک جامعه سنتی از این مفهوم می‌توان سراغ گرفت، متفاوت است. در جامعه سنتی به خاطر نفوذ شدید سنت‌ها بر رفتارهای اجتماعی افراد و تسلط ساختارها بر فردیت افراد، سرمایه اجتماعی فردی برجسته‌تر بوده و در جامعه مدرن که هویت اجتماعی افراد در آن از حالت سنتی فاصله گرفته است، سرمایه اجتماعی نهادی از میزان بالایی برخوردار است (Stone & Hughes, 2002: 28).

جامعه‌شناسان درباره هویت اجتماعی و نحوه شکل‌گیری آن در دنیای مدرن و چگونگی فاصله گرفتن افراد از هویت‌های سنتی در جامعه مدرن، نظریه‌های مختلفی ارائه کرده‌اند. برخی جامعه‌شناسان دوره‌ای را که در آن به سر می‌بریم دوره پسامدرن نامیده‌اند و برخی نیز آن را دوره متاخر مدرن می‌نامند. آنتونی گیدنز ضمن قبول تفاوت‌های جدی در نهادهای اجتماعی سنتی و مدرن، در مورد هویت اجتماعی و رابطه آن با اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی در دوره مدرن، از واژه «مخاطره» استفاده کرده است (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۷). او معتقد است واژه مخاطره که جای مفهوم «بخت» یا «سرنوشت» دوره سنتی را گرفته است، به معنای پیامدهای پیش بینی نشده فعالیت‌های انسان‌ها بوده و مربوط به چشم‌داشت‌هایی است که می‌توانند برآورده نشده و موجب دلسردی در افراد شوند. در این دوره هویت اجتماعی در پرتو مفاهیم اعتماد و مخاطره از خصلتی بازاندیشانه برخوردار می‌شود. در اثر این خصلت عملکردهای اجتماعی کنش‌گران پیوسته بازسنجی شده و اصلاح می‌گردند (همان: ۴۷).

«بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن در برگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته بازسنجی می‌شوند و در پرتو اطلاعات تازه درباره خود آن‌ها اصلاح می‌شوند و بدین سان خصلت‌شان را به گونه‌های اساسی دگرگون می‌سازند» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۷). بنابراین «ویژگی مدرنیته نه استقبال از چیز

نو به خاطر نو بودن آن، بلکه فرض بازاندیشی درباره همه چیز است که این بازاندیشی البته، بازاندیشی درباره خود بازاندیشی را نیز در برمی‌گیرد» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۴۷).

گیدنز معتقد است که «تجدد چارچوب حفاظتی جامعه سنتی را از جا کنده و آن‌ها را با سازمان‌های بزرگ‌تر و غیر شخصی‌تر جایگزین کرده است» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۵۸) بنابراین در دنیای تجدد، هویت شخصی و اجتماعی به طرز متباین با ارتباطات شخصی-اجتماعی جوامع سنتی تر مسأله‌زا می‌گردد. اگر مدرنیته را فرایند فشرده‌گی فزاینده زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش به صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه متجدد و جهانی واحد ادغام می‌شوند بدانیم (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۵۶)، می‌توان گفت که این جریان با دگرگون کردن شرایط و چارچوب سنتی هویت‌سازی و تضعیف و انحلال منابع هویت‌ساز سنتی، فرایند هویت‌سازی و هویت‌یابی را در جهان کنونی متمایز از قبل می‌کند. هر چند دانشمندان بر سر منابع هویت بخش اجماع ندارند ولی دست‌کم در این مورد اتفاق نظر وجود دارد که با بسط فرایند مدرنیته منابع سنتی هویت بخش به تدریج رو به اضمحلال و تحلیل رفته است تا حدی که قدرت استیلای خود را بر معنادهی به هویت‌کنش‌گران از دست می‌دهد. «فضامند کردن زندگی اجتماعی، متحول کردن فضا و زمان و نسبی کردن فرهنگ، هویت‌سازی سنتی را بسیار دشوار و حتی ناممکن کرده است و مسئولیت هویت‌سازی را برعهده «فرد» گذارده است» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۸۲).

تعدد مرجع‌های اجتماعی نیز هویت‌سازی را دشوار می‌کند. در این راستا گیدنز معتقد است که در جوامع سنتی افراد معمولاً در واحدهای اجتماعی کوچک ولی منسجم قرار می‌گرفته‌اند و در چارچوب واحد هویت می‌یافتند. ولی با فرایند تجدد و گسترش فضای اجتماعی، امکان هویت‌یابی در چارچوب محدود و معین اجتماعی رو به کاهش است. بنابراین در جوامع سنتی فرد معمولاً به شکلی «منفع‌لانه» هویت می‌یافت، این انفعال تا حدود زیادی از محدود و اندک بودن منابع هویت‌ساز ناشی می‌شد. در این جوامع عرصه‌های هویت‌ساز چنان توسط نیروهایی مانند سنت، طبیعت، نهادهای دینی و سیاسی و ... اشغال شده بود که فرد نمی‌توانست از حداقل خودمختاری و آزادی عمل برخوردار باشد، این نیروها هویت و نظام معنایی معینی برای فرد تعریف و عرضه می‌کردند که پذیرش آن از سوی کنش‌گر اجتماعی تقریباً گریزناپذیر بود ولی فرایند مدرنیته با فضامند کردن زندگی اجتماعی زمینه‌رهایی فرد از دایره تنگ نهادها و عوامل سنتی هویت‌سازی را فراهم آورد (همان: ۸۷).

در جوامع سنتی عوامل متفاوت تلاش داشتند تا اصالت هویت را حفظ کنند «منابع هویتی جدید در جوامع سنتی بسیار اندک بوده و یا حتی وجود نداشتند و در صورت وجود، توسل به آن‌ها نیز غیر مشروع بود ولی فرایند تجدد و جهانی شدن با رفع این موانع، بستر مناسبی برای تولید هویت‌های ترکیبی و پیوندی فراهم کرده است» (همان: ۹۰).

با توسعه تجدد و فرایند جهانی شدن، در همه جوامع تدریجاً منابع سنتی هویت‌ساز رو به اضمحلال رفته و عوامل سازنده هویت اجتماعی غیرسنتی به منصفه ظهور می‌آیند. در این حالت کنشگران، به دور از تسلط نهادهای تعیین‌گر ساختاری، چون سنت‌ها، مذاهب و عرف‌های رایج در یک فضای اجتماعی تحول یافته، دست به تعریف مجدد موقعیت و هویت اجتماعی خویشان در جامعه می‌زنند. تجدد تغییرات ریشه‌ای در کیفیت زندگی روزمره پدید می‌آورد و بر خصوصی‌ترین وجوه تجربیات افراد تأثیر می‌گذارد. با این وصف تغییرات حاصل از نهادهای امروزی به طور مستقیم با زندگی فردی و با «خود» افراد در می‌آمیزند. در جامعه مدرن هویت شخصی و اجتماعی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه نتیجه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. بنابراین برکنده شدن ریشه‌های هویت اجتماعی از موقعیت‌های ساختاری، بخشی از دگرگونی‌های کلی‌تر فرهنگی است که به تعبیر کلی، آن را فرایند مدرنیته یا مدرن شدن نامیده‌اند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۲۰).

سرمایه اجتماعی

گسترش اولیه و نظام‌مند مفهوم سرمایه اجتماعی توسط بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی و کلمن، جامعه‌شناس آمریکایی برای افراد یا گروه‌های کوچک انجام گرفت و در این میان این مفهوم به عنوان یکی از بخش‌های مهم تحلیل‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گرفت. این دو جامعه‌شناس با تفاوتی اندک، بر روی منافع متمرکز شدند که افراد و خانواده‌ها از پیوند با یکدیگر به دست می‌آورند. برخورد بوردیو با این مفهوم کاملاً ابزارانگاره بود و تا حدی بر این مسأله پافشاری می‌کرد که مردم با قصد قبلی و آگاهانه، روابطشان را بر اساس منافع که قرار است در آینده به آن‌ها برسد، تنظیم می‌کنند. بوردیو به روابط متقابل میان سرمایه پولی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی اشاره می‌کند و سرمایه فرهنگی را عبارت از صلاحیت تحصیلاتی رسمی می‌داند که افراد در کنار یکدیگر و با مجموعه بسیار نامحسوسی از ارزش‌ها و طرز رفتارها به دست می‌آورند. بینش بنیادین بوردیو این بود که این سرمایه‌ها قابل مبادله و تبدیل به یکدیگر هستند (بوردیو، ۱۳۸۱: ۱۴۴). به عبارت دیگر آن‌ها می‌توانند با یکدیگر داد و ستد ماهوی داشته باشند و در واقع رشد و گسترش آن‌ها نیز مستلزم این داد و ستد آن‌هاست. بنابر این سرمایه اجتماعی به هر معنایی قابل دسترسی نیست مگر این که در کنار سرمایه‌گذاری منابع مادی قرار گیرد و از سوی دیگر، داشتن فضایی فرهنگی که بوردیو از آن تحت عنوان «فرهنگ یگانه‌ساز» نام می‌برد، این امکان را برای افراد میسر می‌سازد که روابطی را با افراد ارزشمند و معتبر برقرار سازند (همان، ۱۵۱).

فرض بنیادینی که پشت ایده سرمایه اجتماعی قرار دارد عبارت است از سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی با پیوندهای مورد انتظار. این تعریف کلی با تعبیرهای گوناگونی که به وسیله صاحب‌نظران و

پژوهشگران سرمایه اجتماعی بیان شده، سازگار است. افراد برای تولید سود در تعامل‌ها و شبکه‌های اجتماعی شرکت می‌کنند و منابع موجود در شبکه‌های مشارکت، باعث افزایش سود می‌شود. تعامل‌ها و شبکه‌های مشارکت به چند دلیل منجر به افزایش سود در جامعه می‌گردند: شبکه‌های اجتماعی جریان گردش و مبادله اطلاعات را تسریع و تسهیل می‌کنند و اطلاعات مفیدی در مورد فرصت‌ها و گزینه‌های مختلف در اختیار فرد قرار می‌دهند و هزینه‌ها را به مقدار زیادی در تعامل‌های اجتماعی کاهش می‌دهند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۸۶).

شبکه‌ها، پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده و منجر به انباشت قدرت اجتماعی می‌شوند. این امر نقش مهمی در تصمیم‌ها و گزینش خط‌مشی بازیگران اجتماعی دارد. بعضی از پیوندهای اجتماعی به واسطه موقعیت‌های استراتژیک خود در بردارنده منابع با ارزشی هستند که قدرت تصمیم‌گیری و تاثیرگذاری فرد را افزایش می‌دهند. شبکه‌های اجتماعی از فرد در مقابل تهاجم‌ها و تجاوزها دفاع کرده و شناخت فرد را تقویت می‌کنند. دسترسی افراد به منابع، از طریق شبکه‌ها امکان‌پذیر است و فرد به وسیله پیوندهای اجتماعی شایستگی خود را تقویت می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰).

پی‌یر بورديو از سه شکل سرمایه نام می‌برد که عبارتند از سرمایه اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی. شکل اقتصادی سرمایه قابل تبدیل به پول است مانند دارایی‌های منقول و ثابت یک سازمان. سرمایه فرهنگی نوع دیگر سرمایه است که در یک سازمان وجود دارد مانند تحصیلات عالی اعضای سازمان که این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد (الوانی و دیگری، ۱۳۸۱: ۵).

از دیدگاه بورديو سرمایه اقتصادی شکل غالب سرمایه‌گذاری است و انواع دیگر سرمایه که شامل سرمایه فرهنگی و اجتماعی است، به عنوان ابزاری برای دستیابی به سرمایه اقتصادی مفهوم پیدا می‌کند. از نظر بورديو سرمایه اجتماعی در جوامع سرمایه‌داری به عنوان ابزاری برای تقویت و تثبیت جایگاه اقتصادی افراد به‌شمار می‌رود. در این جوامع، سرمایه اقتصادی سرمایه پایه محسوب شده و سرمایه اجتماعی و فرهنگی ابزاری برای تحقق آن محسوب می‌شود. می‌توان گفت که دیدگاه بورديو در زمینه سرمایه اجتماعی یک دیدگاه ابزاری صرف است یعنی اگر سرمایه اجتماعی نتواند موجب رشد سرمایه اقتصادی شود، کاربردی نخواهد داشت (رحمانی و دیگری، ۱۳۸۷: ۴۱).

جیمز کلمن از واژه‌های مختلفی برای تعریف سرمایه اجتماعی کمک گرفته است. وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرده است. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی از نقش و کارکرد آن کمک گرفته و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داده است. بر این اساس «سرمایه اجتماعی شیء واحدی نیست، بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آن‌ها شامل

جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دست‌یابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و انسانی کاملاً تعویض‌پذیر نیست، اما نسبت به فعالیت‌های بخصوصی تعویض‌پذیر است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیان‌مند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید بلکه در روابط اجتماعی افراد قرار دارد (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲). تعاریف بوردیو و کلمن تا حدودی شبیه به هم هستند. هم بوردیو و هم کلمن قائل به مشارکت و عضویت فرد در گروه بوده و نتیجه آن را به عنوان سرمایه تلقی نموده‌اند. بوردیو برای این مفهوم از واژه «چسبندگی» و کلمن از واژه «ساختار اجتماعی» کمک گرفته است. بر خلاف بوردیو که سرمایه اقتصادی را به عنوان هدف نهایی در نظر گرفت، کلمن سرمایه انسانی را به عنوان هدف نهایی مطرح و سرمایه اجتماعی را به عنوان ابزاری برای حصول به سرمایه انسانی به کار می‌برد. کلمن با استفاده مفهوم سرمایه اجتماعی سعی در شناخت نقش هنجارها در داخل خانواده یا شبکه‌های اجتماعی داشت تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه‌های انسانی شود (رحمانی و دیگری، ۱۳۸۷: ۴۲).

کلمن در پرداختن به سرمایه اجتماعی نگران تباهی و فروپاشی آن چه که او پیوندهای اجتماعی ابتدایی می‌خواند بود. این پیوندهای ابتدایی، مراعات هنجارهای اجتماعی را تضمین می‌کند. تمامی اشکال مختلف بیماری‌های اجتماعی، این پیوندها را نقض می‌کنند، این بیماری‌ها از جرم و ناامنی در خیابان‌ها، تا رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان در مدارس را شامل می‌شود. او در پیدا کردن راهی برای معالجه این نوع بیماری‌های اجتماعی دو پیشنهاد ارائه می‌کند. در ابتدا او به دفاع از پیوندهای اجتماعی که باید در جای مناسب خود قرار گیرند می‌پردازد و سپس از جایگزین شدن ساختارهای اجتماعی ابتدایی دفاع می‌کند، ساختارهایی که به خاطر سازمان‌های تصنعی بنا شده در جامعه مدرن، از بین رفته‌اند. این سازمان‌ها فهرستی از انگیزه‌ها را در جایگاه سرمایه اجتماعی رو به زوال قرار می‌دهند (فیلد، ۱۳۸۶: ۴۸). کلمن با طرح این نکته که خانواده‌های از هم پاشیده به عنوان نمونه‌هایی از ساختارهایی که پیوندهای اجتماعی آن‌ها تضعیف گردیده و بنابراین بنیان آموزش و پرورش را تضعیف می‌کنند، معتقد است «کسانی که بچه‌های خود را درست تربیت نمی‌کنند، نه تنها در هدر دادن اندیشه‌های آن‌ها بلکه در ایجاد آینده‌ای آکنده از جرم و مواد مخدر، برونی‌هایی را بر جامعه تحمیل می‌کنند» (فاین، ۱۳۸۵: ۱۳۸).

رابرت پاتنام که از نظریه‌پردازان اخیر سرمایه اجتماعی است، تاکید عمده‌ای بر نحوه تاثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک مختلف دارد. پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از مفاهیمی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تامین می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). از نظر وی اعتماد و

ارتباط متقابل اعضا در شبکه به عنوان منابعی هستند که در کنش‌های اعضای جامعه موجود است (همان: ۲۹۱). پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی می‌داند. تاکید عمده وی بر مفهوم اعتماد است. از نظر پاتنام همین عامل است که می‌تواند با جلب اعتماد میان مردم و دولت‌مردان و نخبگان سیاسی موجب توسعه سیاسی شود. بنابراین اعتماد منبع با ارزشی از سرمایه محسوب می‌شود که اگر در حکومتی به میزان زیاد وجود داشته باشد به همان اندازه از رشد سیاسی و توسعه اجتماعی بیشتری برخوردار خواهد بود (همان: ۲۹۲).

فرانسیس فوکویاما از متفکرین معاصر، بر وجود هنجارها و ارزش‌های غیررسمی در یک گروه معتقد بوده و سرمایه اجتماعی را چنین تعریف کرده است: «سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان بعنوان وجود مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میان‌شان مجاز است، در آن سهیم هستند. مشارکت در ارزش‌ها و هنجارها به خودی خود باعث تولید سرمایه اجتماعی نمی‌گردد، چرا که این ارزش‌ها ممکن است ارزش‌های منفی باشند» (فوکویاما، ۱۳۷۹: ۱۱-۱۰). او اعتقاد دارد که در ارتباط با سرمایه اجتماعی باید دو نکته را مد نظر داشت: ۱. سرمایه اجتماعی، سرمایه انسان‌ها نیست چرا که این سرمایه متعلق به گروه‌هاست و نه به افراد، هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در صورتی معنی دارد که بیش از یک فرد در آن سهیم باشد. ۲. سرمایه اجتماعی با توجه به علم سیاست و علم اقتصاد لزوماً چیز خوبی نیست. در این علوم همکاری و همیاری برای تمام فعالیت‌های اجتماعی خواه خوب یا بد، ضروری است» (همان: ۱۳). همه این اندیشمندان در نگرش خود به سرمایه اجتماعی در دنیای مدرن امروز به دنبال ریشه‌های حفظ و یا زوال سرمایه اجتماعی بوده و هر کدام بر یک یا چند عنصر که می‌تواند به عنوان متغیرهایی اثرگذار، میزان سرمایه اجتماعی را تحت تاثیر قرار دهد، متمرکز بوده‌اند. در این تحقیق با استفاده از ایده بنیادین گیدنز در مورد تغییرات به وقوع پیوسته در دنیای مدرن در زمینه تعریف و باز تعریف انسان‌ها از خود و هویت اجتماعی شان به عنوان عوامل اساسی اثرگذار بر کنش‌های اجتماعی و عناصر مرکزی آن مانند اعتماد و مشارکت اجتماعی، آثار آن بر نوع و میزان سرمایه اجتماعی افراد مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

چارچوب نظری

در جامعه سنتی، منابعی که هویت افراد را تعریف می‌کنند، محدود بوده و در عین حال از حالتی تعیین بخش برخوردار می‌باشند، بنابراین ساختارها و نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، دین و نظام سیاسی، در همه ابعاد، برداشت افراد از خود را تحت سیطره دارند و افراد در چنین حالتی، نقشی انفعالی در هویت‌یابی خود دارند. منابع سنتی هویت ساز در این جامعه حالت مسلط دارند ولی در جامعه مدرن اولاً منابع سنتی

هویت‌یابی قدرت و تسلط خود را از دست داده‌اند و ثانیاً در کنار سایر منابع مدرن، نقش کم‌رنگ‌تری ایفا می‌کنند چرا که با گسترش فضای اجتماعی و افزایش ارتباطات اجتماعی به واسطه گسترش جهان اجتماعی افراد در اثر وسعت تعامل‌های اجتماعی روزانه و نیز استفاده از رسانه‌های جمعی به ویژه تلویزیون‌های داخلی و کانال‌های تلویزیونی ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی در فضای اینترنت، مراجع متعددی در هویت‌یابی افراد اثرگذار می‌شوند و این امر باعث خارج شدن هویت افراد از حالت سنتی شده و آن‌ها را به سوی هویت‌یابی مدرن رهنمون می‌گردد. در این حالت که افراد در جوامع مدرن از هویت‌هایی متکثر و ترکیبی برخوردارند، می‌توانند در روابط اجتماعی خود با دیگران، هم‌میزان بالایی از اعتماد اجتماعی، احساس تعهد و تعلق اجتماعی را از خود به نمایش بگذارند و در این حالت جامعه از میزان بالایی از سرمایه اجتماعی برخوردار شود و هم‌با عدم همخوانی هویتی افراد جامعه با یکدیگر، به دلیل تفاوت در تعلق آن‌ها به زمینه‌های اجتماعی مختلف و نیز برخورداری‌های ناپاکسان آن‌ها از فضاهای رسانه‌ای و در نتیجه بروز شکل و حالتی از جدا افتادگی میان آنان و بروز حالت‌هایی از انزوای اجتماعی، میزان پایینی از اعتماد و احساس تعهد و تعلق اجتماعی را نشان دهند که نتیجه آن، میزان پایین سرمایه اجتماعی خواهد بود. به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای می‌تواند به میزان بالایی شکل بگیرد که هویت‌های اجتماعی افراد با هم اختلاف عمیقی نداشته باشد و همه افراد جامعه با توسل به منابع واحد هویت بخش، خود را به شیوه‌هایی یکسان درک کرده و بشناسند و به این وسیله رشته‌های مشترک عمیقی افراد را به هم متصل نماید. خواه این رشته‌های متصل‌کننده افراد به هم، از منابع سنتی تغذیه شده باشند، خواه از منابع مدرن مانند رسانه‌های جمعی. مهم وجود میزان بالایی از همخوانی هویتی است که می‌تواند سرمایه اجتماعی را تقویت نماید.

هویت فردی و اجتماعی افراد در یک جامعه تحت تأثیر برداشت‌های افراد از خودشان و منابعی که در هویت‌یابی آنان نقش مسلط‌تری دارد، می‌باشد. تصور هر فرد از خود، با آن‌که به نظر امری فردی می‌آید، ولی مطابق نظر جرج هربرت مید شکل‌گیری «خود» در افراد، امری اجتماعی است و بدون وجود انعکاسی از دیگری تعمیم یافته، خود اجتماعی افراد و برداشت روشنی از خود، در آنان شکل نخواهد گرفت. از طرف دیگر نهادهای اجتماعی نیز در شکل دادن به این تصورات و انعکاس‌ها نقش مهمی دارند و بنا به میزان تسلط این نهادها بر فرایند معنایابی کنش‌های اجتماعی و میزان سنتی یا مدرن عمل کردن این نهادها از نظر این که تا چه حد به کنش‌های فردی و انتخاب‌های آزادانه افراد اجازه بروز و ظهور بدهند، انواع متفاوتی از هویت‌های اجتماعی می‌تواند در افراد جامعه شکل بگیرد که می‌توان آن را در یک طیف که در یک طرف آن هویت‌های اجتماعی مبتنی بر منابع سنتی قرار دارند و در طرف دیگر هویت‌های اجتماعی مبتنی بر منابع مدرن، ملاحظه کرد. بنابراین نهادها و ساختارهای اجتماعی مانند خانواده، دین، نظام آموزشی و رسانه‌های جمعی و ... همگی در شکل‌گیری برداشت‌های افراد از خود

فردی و اجتماعی‌شان (هویت اجتماعی‌شان) موثر بوده و می‌توان گفت هویت اجتماعی افراد در یک دیالکتیک بین خود افراد و جامعه امکان ظهور و بروز پیدا می‌کند.

هویت شکل گرفته در افراد بنا به ریشه‌های قوام دهنده آن می‌تواند سنتی یا مدرن باشد ولی بدون توجه به مدرن یا سنتی بودن هویت اجتماعی افراد یک جامعه، این هویت می‌تواند حاوی درجه بالایی از میزان اعتماد اجتماعی، احساس تعهد اجتماعی و احساس تعلق اجتماعی باشد و یا فاقد این ویژگی‌ها باشد. چنانچه هویت اجتماعی فرد در برگیرنده این شاخص‌ها باشد، نشان دهنده میزان بالای برخورداری از سرمایه اجتماعی بوده و در صورت فقدان آن، عدم شکل‌گیری یا ضعف در میزان سرمایه اجتماعی در جامعه را نشان می‌دهد.

از طرف دیگر تصور می‌شود منابع سنتی هویت‌یابی اجتماعی، امکان بروز و ظهور بیشتری برای سرمایه اجتماعی فردی (که ناظر بر روابط اجتماعی بین فردی توأم با درجه بالایی از اعتماد فردی و مشارکت‌های اجتماعی در گروه‌های محدود و ... را شامل می‌شود) به وجود می‌آورند در حالی که منابع مدرن هویت‌یابی که در جوامع مدرن امروزی تسلط بیشتری بر شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی دارند، سرمایه اجتماعی نهادی (مشارکت اجتماعی و سیاسی در سطح امور کلان و اعتماد به افراد ناشناس یا نهادهای اجتماعی و افراد شاغل در آن و ... را شامل می‌شود) به وجود می‌آورند. بنابراین مدرن شدن هویت‌های اجتماعی ارتباط مستقیمی با تغییر در نوع سرمایه اجتماعی در جوامع جدید دارد.

با توجه به این که زنان و دختران و نیز افرادی که در روستاها سکونت دارند در جوامع سنتی و نیز جوامعی که تازه قدم در راه مدرن شدن گذارده و فضا برای کنش اجتماعی فارغ از قید و بندهای سنت‌ها در این جوامع برای این قشر، محدودتر می‌باشد، انتظار می‌رود هویت اجتماعی دختران دانشجوی و ساکنین روستاها در مقایسه با پسران و ساکنین شهرها، سنتی‌تر بوده و نیز از سرمایه اجتماعی فردی بالاتری در مقایسه با سرمایه اجتماعی نهادی برخوردار باشند.

به نظر می‌رسد دانشجویانی که در رشته‌هایی تحصیل می‌کنند که از حالت تجربی بیشتری برخوردار می‌باشند در مقایسه با دانشجویان رشته‌های علوم انسانی از توانایی انتقادی کمتری در مواجهه با پدیده‌های اجتماعی و بنابراین از توانایی بالاتری در بازنمایشی و ساختن هویت اجتماعی خود برخوردار بوده و به همین ترتیب از سرمایه اجتماعی نهادی بالاتری در مقایسه با دانشجویان رشته‌های فنی و علوم پایه برخوردار باشند.

فرضیه‌ها

فرضیه اصلی: بین نوع هویت اجتماعی دانشجویان (از نظر میزان اتکاء به منابع سنتی یا مدرن در هویت‌یابی) و میزان و نوع سرمایه اجتماعی آنان (از نظر فردی و یا نهادی بودن سرمایه اجتماعی) رابطه وجود دارد.

فرضیه اول: بین نوع هویت اجتماعی دانشجویان (از نظر میزان متکی بودن هویت آنان به منابع سنتی) و میزان سرمایه اجتماعی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. (اتکا هویت اجتماعی دانشجویان به منابع سنتی، میزان بالایی از سرمایه اجتماعی فردی را در آنان ایجاد می‌کند و اتکا هویت اجتماعی دانشجویان به منابع مدرن، میزان بالایی از سرمایه اجتماعی نهادی را در آنان ایجاد می‌کند).

فرضیه دوم: بین نوع هویت اجتماعی دانشجویان و نوع سرمایه اجتماعی آنان (از نظر برجستگی سرمایه اجتماعی فردی یا سرمایه اجتماعی نهادی) تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه سوم: نوع هویت اجتماعی غالب (سنتی، بینابین و مدرن) در میان دانشجویان متعلق به طبقات اقتصادی - اجتماعی مختلف، متفاوت است.

فرضیه چهارم: نوع سرمایه اجتماعی غالب (فردی و نهادی) در میان دانشجویان متعلق به طبقات اقتصادی - اجتماعی مختلف، متفاوت است.

فرضیه پنجم: نوع هویت اجتماعی غالب (سنتی، بینابین و مدرن) در میان دانشجویان شهری و روستایی متفاوت است.

فرضیه ششم: نوع سرمایه اجتماعی غالب (فردی و نهادی) در میان دانشجویان شهری و روستایی متفاوت است.

فرضیه هفتم: نوع هویت اجتماعی غالب (سنتی، بینابین و مدرن) در میان دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف، متفاوت است.

فرضیه هشتم: نوع سرمایه اجتماعی غالب (فردی و نهادی) در میان دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف، متفاوت است.

فرضیه نهم: نوع هویت اجتماعی غالب (سنتی، بینابین و مدرن) در میان دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

فرضیه دهم: نوع سرمایه اجتماعی غالب (فردی و نهادی) در میان دانشجویان دختر و پسر متفاوت است.

روش پژوهش

در انجام تحقیق حاضر از روش پیمایشی و برای گردآوری داده‌های این تحقیق از ابزار پرسشنامه استفاده گردیده است. پرسشنامه مورد استفاده در تحقیق حاضر دو مقیاس محقق ساخته است که با

استفاده از مولفه‌ها و شاخص‌های مطرح در چارچوب نظری حاکم بر تحقیق در موضوع هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی، برای سنجش این دو متغیر اساسی تحقیق طراحی گردیده‌اند. در پرسشنامه سنجش هویت اجتماعی، از سه منظر به بررسی و سنجش نوع هویت اجتماعی دانشجویان پرداخته شده است. با توجه به این که در این تحقیق هدف اصلی از مطالعه هویت اجتماعی دانشجویان شناخت میزان سنتی یا مدرن بودن هویت افراد مدنظر بوده است، سه بعد و مولفه اساسی که می‌توان از روی شاخص‌های آن‌ها، پی به میزان سنتی یا مدرن بودن هویت افراد برد، مورد استفاده قرار گرفته است. بعد اول میزان استفاده از رسانه‌های جمعی در زندگی روزمره است. بعد دوم میزان تأثیرپذیری از افکار و عقاید والدین و اعضای خانواده و بعد سوم میزان امکان تغییر در افکار و عقاید سنتی مرسوم در جامعه و بازاندیشی فرد در مورد این عقاید است. از نظر سنخ‌شناسی هویت، پاسخگویان به سه رده سنتی مدرن و بینابین تقسیم گردیده‌اند تا رابطه بین نوع هویت اجتماعی و نوع سرمایه اجتماعی موجود در روابط اجتماعی آن‌ها مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به نوع نمره‌دهی به جواب‌های سوالات مربوط به هویت اجتماعی که در آن نمرات بالاتر بیانگر مدرن بودن و نمرات پایین بیانگر سنتی بودن هویت اجتماعی پاسخگویان می‌باشد، با ایجاد نقاط برش ۳۳/۳۳ درصدی و ۶۶/۶۶ درصدی و ۱۰۰ درصدی بر روی توزیع داده‌های این متغیر در میان پاسخگویان و تعیین حداکثر نمرات مربوط به هویت سنتی و بینابین، افراد واقع در هر یک از این طبقات سه گانه، از نظر نوع هویت اجتماعی واجدین انواع سه‌گانه این متغیر تقسیم‌بندی گردیدند.

در مقیاس سنجش میزان سرمایه اجتماعی افراد از چهار بعد به سنجش و اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی افراد و پاسخگویان پرداخته شده است. بعد اول اعتماد اجتماعی فردی است. براساس این بعد از اعتماد به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی، میزان اعتماد فردی موجود در روابط و کنش‌های اجتماعی افراد مورد سؤال و سنجش قرار گرفته است. بعد دوم میزان تعامل‌های اجتماعی و میزان انسجام اجتماعی در روابط و کنش‌های اجتماعی و درجه پیوستگی آن‌ها را مورد اندازه‌گیری قرار داده است. بعد سوم میزان اعتماد پاسخگویان به نهادهای اجتماعی و سیاسی و افراد شاغل در این نهادها را مورد اندازه‌گیری قرار داده و بعد چهارم میزان مشارکت اجتماعی پاسخگویان در عرصه‌های مختلف دانشگاهی را (با توجه به این که پاسخگویان تحقیق دانشجویان می‌باشند) مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار داده است.

برای شناخت این که چه نوع سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی دانشجویان حالت برجسته‌تری دارد، دو بعد جدید از ترکیب ابعاد چهارگانه مورد بحث ساخته و ترکیب شده‌اند. سرمایه اجتماعی فردی و سرمایه اجتماعی نهادی. سرمایه اجتماعی فردی از ترکیب ابعاد اعتماد فردی و تعامل و انسجام اجتماعی، ترکیب و ساخته شده است و حالت خرد دارد. سرمایه اجتماعی نهادی از ترکیب ابعاد اعتماد به نهادهای اجتماعی و سیاسی و میزان مشارکت اجتماعی ساخته و شده است چرا که از رابطه بین کنش‌های

اجتماعی با ساختارهای کلان تأثیر بیشتری گرفته و حالت کلان دارد. به نظر می‌رسد افرادی که سنتی‌تر بوده و با ساختارهای اجتماعی پهن‌دامنه و کلان روابط و مناسبات کمتری دارند، اعتمادشان و در نتیجه مشارکت‌شان در این ساختارها کم بوده و سرمایه اجتماعی نهادی‌شان پایین‌تر باشد و برعکس افراد مدرن یعنی آن‌هایی که علاوه بر سطوح خرد با سطوح کلان ساختار اجتماعی نیز به دلیل وجود اعتماد نهادی و مشارکت اجتماعی بالا، تعامل‌های اجتماعی زیادی دارند دارای سرمایه اجتماعی نهادی بیشتری باشند. میزان سرمایه اجتماعی افراد از طریق ترکیب همه ابعاد سرمایه اجتماعی (ابعاد چهارگانه اعتماد به افراد و نهادهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی و میزان تعامل و انسجام اجتماعی) ساخته شده است تا رابطه آن با هویت اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد.

برای تعیین اعتبار ابزار اندازه‌گیری داده‌ها از روش سنجش اعتبار صوری، روش بازآزمایی و استفاده از سنج‌های تثبیت شده استفاده گردیده است. برای آزمون پایایی پرسشنامه سرمایه اجتماعی ۰/۸۵۲ و پرسشنامه هویت اجتماعی ۰/۷۹۳ بدست آمد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تبریز در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ می‌باشد. نمونه آماری پژوهش شامل ۳۸۱ نفر از این دانشجویان می‌باشد که به روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم هر یک از طبقات (تعداد دانشجویان هر رشته و مقطع تحصیلی) انتخاب گردیده است. پس از مشخص شدن تعداد دانشجویان دانشگاه‌های مورد بررسی به تفکیک دانشکده‌ها و مقطع تحصیلی و جنسیت دانشجویان، با استفاده از جدول برنامه‌های درسی دانشکده‌های انتخاب گردیده در مرحله اول نمونه‌گیری، به روش تصادفی ساده، تعدادی از کلاس‌های مربوط به رشته‌های تحصیلی مورد بررسی انتخاب و از میان دانشجویان این کلاس‌ها، تعدادی از دانشجویان به پرسشنامه‌های تحقیق پاسخ دادند. حجم نمونه آماری مورد نیاز برای انجام این تحقیق بر اساس پیش برآورد واریانس متغیر سرمایه اجتماعی محاسبه گردیده است.

یافته‌ها

۱۹۵ نفر (۵۱/۲ درصد) از پاسخگویان تحقیق را دانشجویان دختر و ۱۸۶ نفر (۴۸/۸ درصد) را دانشجویان پسر تشکیل داده‌اند. رشته تحصیلی ۲۵۳ نفر از دانشجویان (۶۶/۴ درصد) علوم انسانی، ۱۴ نفر (۳/۶ درصد) علوم پایه و ۱۱۴ نفر (۳۰ درصد) فنی و مهندسی بوده است. محل سکونت ۳۰۵ نفر (۸۰ درصد) از دانشجویان شهر و ۷۶ نفر (۲۰ درصد) روستا بوده است. از نظر تعلق طبقاتی، ۶۲ نفر از دانشجویان مورد بررسی (۱۶/۳ درصد) خود و خانواده‌شان را متعلق به طبقه پایین اقتصادی-اجتماعی، ۲۸۱ نفر (۷۳/۷ درصد) طبقه متوسط، ۳۸ نفر (۱۰ درصد) به طبقه بالا دانسته‌اند.

بر اساس نتایج آزمون فرضیه اول تحقیق، درصد دانشجویانی که از نظر هویت اجتماعی در رده بینابین و مدرن قرار داشته و از نظر سرمایه اجتماعی در رده کم متوسط هستند بیشتر از کسانی است که

از نظر هویت اجتماعی در رده سنتی قرار داشته و از نظر سرمایه اجتماعی در رده متوسط و زیاد قرار دارند. تحلیل داده‌های جدول تقاطعی دو متغیر هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی بیان‌گر آن است که هر چه دانشجویان از نظر هویت اجتماعی به مدرن شدن (فاصله گرفتن از هویت سنتی و قرار گرفتن در حد بینابین تا قرار گرفتن در حد مدرن) نزدیک‌تر می‌شوند میزان سرمایه اجتماعی‌شان کاهش یافته و دانشجویان سنتی‌تر در روابط اجتماعی خود دارای سرمایه اجتماعی بیشتری می‌باشند.

جدول شماره (۱): جدول تقاطعی نوع هویت اجتماعی و میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان

| کل | میزان سرمایه اجتماعی | | | نوع هویت اجتماعی |
|-------|----------------------|-------|-------|------------------|
| | زیاد | متوسط | کم | |
| ۱۲۸ | ۲۶ | ۴۷ | ۵۵ | سنتی |
| %۳۳/۶ | %۶/۸ | %۱۲/۳ | %۱۴/۵ | |
| ۱۷۱ | ۴۸ | ۷۶ | ۴۷ | بینابین |
| %۴۵ | %۱۲/۷ | %۲۰ | %۱۲/۳ | |
| ۸۲ | ۲ | ۴۹ | ۳۱ | مدرن |
| ۲۱/۴ | %۰/۵ | %۱۲/۷ | %۸/۲ | |
| ۳۸۱ | ۷۶ | ۱۷۲ | ۱۳۳ | کل |
| %۱۰۰ | %۲۰ | %۴۵ | %۳۵ | |

| ارزش | درجه آزادی | سطح معنی‌داری |
|--------|------------|---------------|
| ۱۷/۵۹۴ | ۴ | ۰/۰۰۱ |
| ۳۸۱ | ۱ | |

همبستگی مربع-خی
تعداد

جدول توصیفی مربوط به میزان کل سرمایه اجتماعی در دانشجویان مورد مطالعه بیان‌گر آن است که میزان سرمایه اجتماعی ۳۵ درصد از دانشجویان در حد کم، ۴۵ درصد در حد متوسط و ۲۰ درصد در حد زیاد است. با توجه به این که حدود ۲۱ درصد از کل دانشجویان مورد بررسی از نظر هویت اجتماعی مدرن محسوب می‌شوند و حدود ۳۴ درصد سنتی و ۴۵ درصد نیز در بین این دو گروه (بینابین) قرار می‌گیرند و حدود ۷ درصد دانشجویان دارای هویت اجتماعی سنتی، دارای میزان بالای سرمایه اجتماعی می‌باشند در حالی که ۰/۵ درصد دانشجویان دارای هویت اجتماعی مدرن، دارای میزان بالای سرمایه اجتماعی می‌باشند.

از ۱۳۳ نفری که دارای سرمایه اجتماعی کم می‌باشند، ۵۵ نفر از نظر هویت اجتماعی، سنتی محسوب می‌شوند. ۴۷ نفر دارای هویت اجتماعی بینابین بوده و ۳۱ نفر دارای هویت اجتماعی مدرن می‌-

باشند. بیشتر دانشجویان دارای هویت اجتماعی سنتی، دارای سرمایه اجتماعی پایین بوده و دانشجویان دارای هویت اجتماعی مدرن و بینابین، دارای سرمایه اجتماعی متوسط می‌باشند.

از ۱۷۱ نفری که دارای هویت اجتماعی بینابین می‌باشند، ۴۷ نفر دارای سرمایه اجتماعی کم، ۷۶ نفر دارای سرمایه اجتماعی متوسط و ۴۸ نفر دارای سرمایه اجتماعی زیاد می‌باشند. با توجه به این‌که اکثر دانشجویان دارای هویت اجتماعی بینابین، از نظر میزان سرمایه اجتماعی نیز در حد متوسط قرار دارند، می‌توان نتیجه گرفت که میزان سرمایه اجتماعی دانشجویان با میزان دور شدن از هویت اجتماعی سنتی تا حدودی افزایش می‌یابد و به موازات گرایش بیشتر به هویت بینابین و مدرن، میزان سرمایه اجتماعی افراد تاحدی افزایش می‌یابد ولی این افزایش در میان دانشجویان دارای هویت اجتماعی بینابین بیش از دانشجویان دارای هویت اجتماعی مدرن می‌باشد.

بر اساس نتایج آزمون فرضیه دوم و نتایج آزمون t همبسته برای مقایسه میانگین سرمایه اجتماعی فردی با سرمایه اجتماعی نهادی در میان سه گروه از دانشجویان دارای هویت سنتی، بینابین و مدرن، در هیچ یک از گروه‌های سه‌گانه مورد بررسی، شکل خاصی از دو نوع سرمایه اجتماعی (فردی و نهادی) برجستگی ندارد. یعنی دانشجویان سنتی، بینابین و مدرن از نظر هویت اجتماعی از نظر سرمایه اجتماعی فردی و سرمایه اجتماعی نهادی و میانگین این دو متغیر مانند هم بوده و تفاوت معنی‌داری از نظر آماری بین آن‌ها وجود ندارد.

جدول شماره (۲): آزمون t همبسته برای بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی فردی و نهادی

| در بین دانشجویان دارای هویت اجتماعی سنتی، بینابین و مدرن | | | | | |
|--|---------|-------|------------------|---------------------|-----------------------------|
| نوع سرمایه اجتماعی | میانگین | تعداد | انحراف استاندارد | خطای انحراف میانگین | نوع هویت اجتماعی |
| سرمایه اجتماعی فردی سنتی | ۳۲/۷۸ | ۱۲۸ | ۷/۰۳۱ | ۰/۸۱۷ | سرمایه اجتماعی فردی سنتی |
| سرمایه اجتماعی نهادی | ۳۰/۷۷ | ۱۲۸ | ۶/۱۹۷ | ۰/۷۲۰ | سرمایه اجتماعی نهادی |
| سرمایه اجتماعی فردی بینابین | ۳۲/۱۱ | ۱۷۱ | ۶/۶۱۹ | ۰/۶۶۵ | سرمایه اجتماعی فردی بینابین |
| سرمایه اجتماعی نهادی | ۳۱/۲۲ | ۱۷۱ | ۵/۸۳۰ | ۰/۵۸۶ | سرمایه اجتماعی نهادی |
| سرمایه اجتماعی فردی مدرن | ۳۰/۷۹ | ۸۲ | ۷/۲۲۶ | ۱/۰۵۴ | سرمایه اجتماعی فردی مدرن |
| سرمایه اجتماعی نهادی | ۳۱/۸۵ | ۸۲ | ۷/۲۹۵ | ۱/۰۴۴ | سرمایه اجتماعی نهادی |

تفاوت‌های جفت‌ها

| نوع سرمایه اجتماعی | درجه | مقدار t | سطح معنی‌داری | خطای انحراف | انحراف میانگین |
|-----------------------------|-------|---------|---------------|-------------|------------------|
| نوع هویت اجتماعی | آزادی | | دو دامنه‌ای | میانگین | انحراف استاندارد |
| سرمایه اجتماعی فردی سنتی | ۱۲۷ | ۱/۶۹۲ | ۰/۰۹۵ | ۱/۱۹۰ | ۱۰/۲۳۹ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | | | | | |
| سرمایه اجتماعی فردی بینابین | ۱۷۰ | ۱/۱۶۴ | ۰/۲۴۷ | ۰/۷۶۴ | ۷/۶۰۰ |

| سرمایه اجتماعی نهادی | | | | | |
|--------------------------|----|--------|-------|--------|--------|
| سرمایه اجتماعی فردی مدرن | ۸۱ | -۰/۷۰۳ | ۰/۴۸۵ | ۱۰/۳۷۰ | ۱۰/۳۷۰ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | | | | | -۱/۰۶۴ |

بر اساس نتایج آزمون فرضیه سوم، در گروه دانشجویان متعلق به طبقه اقتصادی-اجتماعی پایین، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۹/۶۶۶ بوده و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۶ می‌باشد. در گروه دانشجویان متعلق به طبقه اقتصادی-متوسط، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۷/۲۲۲ بوده و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۲/۳۶۳ می‌باشد. در گروه دانشجویان متعلق به طبقه اقتصادی-اجتماعی بالا، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۲/۶۶۶ بوده و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۵/۳۳۳ می‌باشد. بنابراین در طبقه‌های اجتماعی-اقتصادی پایین و متوسط میانگین‌های مربوط به هویت اجتماعی سنتی بزرگ‌تر از میانگین‌های مربوط به هویت اجتماعی مدرن می‌باشد ولی در طبقه اجتماعی-اقتصادی بالا، عکس آن مشاهده می‌گردد. این امر بیانگر آن است که هویت اجتماعی دانشجویان متعلق به طبقه‌های اجتماعی-اقتصادی پایین و متوسط از حالتی سنتی‌تر برخوردار است و تعلق دانشجویان به طبقه‌های پایین یا متوسط جامعه تأثیری در شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی مدرن در آنان ندارد ولی تعلق داشتن به طبقه اجتماعی-اقتصادی بالا می‌تواند منجر به مدرن شدن هویت اجتماعی افراد گردد. بنابراین می‌توان گفت تعلق دانشجویان به طبقه‌های اقتصادی-اجتماعی پایین و متوسط در شکل‌گیری هویت اجتماعی مدرن (که در ارتباط با نوع خاصی از روابط اجتماعی در خانواده یا میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و یا بازان‌دیشی در مورد افکار و عقاید اجتماعی باشد) در دانشجویان نقش موثری نداشته ولی تعلق به طبقه اقتصادی-اجتماعی بالا می‌تواند منجر به شکل‌گیری هویت اجتماعی مدرن گردد.

بر اساس نتایج آزمون فرضیه چهارم، دانشجویان متعلق به طبقات اقتصادی-اجتماعی پایین، متوسط و بالا از نظر دارا بودن سرمایه اجتماعی فردی و سرمایه اجتماعی نهادی مانند هم بوده و تفاوت معنی‌داری از نظر آماری بین آن‌ها وجود ندارد.

جدول شماره (۳): آزمون t همبسته برای بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی فردی و نهادی در بین دانشجویان طبقات اجتماعی مختلف

| نوع سرمایه اجتماعی | میانگین | تعداد | انحراف استاندارد | خطای انحراف میانگین |
|---------------------------------|---------|-------|------------------|---------------------|
| سرمایه اجتماعی فردی | ۲۹/۶۶۶ | ۶۲ | ۴/۶۵۹ | ۰/۷۷۶ |
| طبقه پایین سرمایه اجتماعی نهادی | ۲۶ | ۶۲ | ۶/۷۹۴ | ۱/۱۳۲ |
| سرمایه اجتماعی فردی طبقه متوسط | ۲۷/۲۲۲ | ۲۸۱ | ۴/۰۵۲ | ۰/۳۱۸ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | ۲۴/۴۶۹ | ۲۸۱ | ۵/۵۴۲ | ۰/۴۳۵ |

| | | | | |
|-------|-------|----|--------|-------------------------------|
| ۱/۳۶۲ | ۶/۳۸۹ | ۳۸ | ۲۶/۴۵۴ | سرمایه اجتماعی فردی طبقه بالا |
| ۱/۰۸۲ | ۵/۰۷۶ | ۳۸ | ۲۲/۳۶۳ | سرمایه اجتماعی نهادی |

| تفاوت‌های جفت‌ها | | | | نوع سرمایه اجتماعی | | |
|------------------|------------------|---------------------|---------------|--------------------|------------|--------------------------------|
| میانگین | انحراف استاندارد | خطای انحراف میانگین | سطح معنی‌داری | مقدار t | درجه آزادی | طبقه اقتصادی - اجتماعی |
| ۳/۶۶۶ | ۷/۰۹۱ | ۱/۱۸۱ | ۰/۰۰۴ | ۳/۱۰۲ | ۶۱ | سرمایه اجتماعی فردی طبقه پایین |
| ۲/۷۵۳ | ۶/۰۵۶ | ۰/۴۷۵ | ۰/۰۰۰ | ۵/۷۸۵ | ۲۸۰ | سرمایه اجتماعی فردی طبقه متوسط |
| ۴/۰۹۰ | ۴/۷۷۰ | ۱/۰۱۶ | ۰/۰۰۱ | ۴/۰۲۳ | ۳۷ | سرمایه اجتماعی فردی طبقه بالا |
| | | | | | | سرمایه اجتماعی نهادی |

بر اساس نتایج آزمون فرضیه پنجم، در گروه دانشجویان شهری، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۷/۴۳۱ و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۴/۲۵۰ می‌باشد. در گروه دانشجویان روستایی، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۸ و میانگین هویت اجتماعی ۲۵/۵۴۵ می‌باشد. بنابراین در هر دو گروه مورد بررسی (دانشجویانی که خانواده آن‌ها ساکن شهر بوده و دانشجویانی که خانواده آن‌ها ساکن روستا می‌باشند)، میانگین هویت اجتماعی سنتی بالاتر از میانگین هویت اجتماعی مدرن می‌باشند و این امر بیانگر آن است که هویت اجتماعی دانشجویان شهری و روستایی از حالت سنتی‌تری برخوردار بوده و تعلق آنان به خانواده‌های شهری و روستایی تأثیر زیادی در شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی مدرن در آنان ندارد.

جدول شماره (۴): آزمون t همبسته برای بررسی تفاوت هویت اجتماعی سنتی و مدرن در بین دانشجویان شهری و روستایی

| نوع هویت اجتماعی | میانگین | تعداد | انحراف استاندارد | خطای انحراف میانگین |
|-------------------------|---------|-------|------------------|---------------------|
| محل سکونت خانواده | | | | |
| هویت اجتماعی سنتی شهر | ۲۷/۴۳۱ | ۳۰۵ | ۴/۴۸۶ | ۰/۳۳۸ |
| هویت اجتماعی مدرن | ۲۴/۲۵۰ | ۳۰۵ | ۵/۸۴۶ | ۰/۴۴۰ |
| هویت اجتماعی سنتی روستا | ۲۸ | ۷۶ | ۴/۶۵۵ | ۰/۷۰۱ |
| هویت اجتماعی مدرن | ۲۵/۵۴۵ | ۷۶ | ۵/۳۸۴ | ۰/۸۱۱ |

| تفاوت‌های جفت‌ها | | | | نوع هویت اجتماعی | | |
|------------------|------------------|---------------------|---------------|------------------|------------|-------------------|
| میانگین | انحراف استاندارد | خطای انحراف میانگین | سطح معنی‌داری | مقدار t | درجه آزادی | محل سکونت خانواده |
| | | | دو دامنه‌ای | | | |

| | | | | | | |
|-------|-------|-------|-------|-------|-----|-------------------------|
| ۳/۱۸۱ | ۶/۳۹۹ | ۰/۴۸۲ | ۰/۰۰۰ | ۶/۵۹۶ | ۳۰۴ | هویت اجتماعی سنتی شهر |
| | | | | | | هویت اجتماعی مدرن |
| ۲/۴۵۴ | ۴/۸۴۸ | ۰/۷۳۰ | ۰/۰۰۲ | ۳/۳۵۸ | ۷۵ | هویت اجتماعی سنتی روستا |
| | | | | | | هویت اجتماعی مدرن |

بر این اساس نمی‌توان دانشجویان شهری و روستایی را از نظر هویت اجتماعی غالب آن‌ها تفکیک کرده و در هر یک از این دو گروه، نوع متفاوتی از هویت اجتماعی را ملاحظه نمود. بر اساس نتایج آزمون فرضیه ششم، در گروه دانشجویان شهری، سرمایه اجتماعی فردی با میانگین $۳۲/۱۲$ نسبت به سرمایه اجتماعی نهادی با میانگین $۳۰/۹۸$ ، از میانگین بالاتری برخوردار است ولی با توجه به سطح معنی‌داری آماری، این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست. در گروه دانشجویان روستایی نیز با این که سرمایه اجتماعی نهادی با میانگین $۳۲/۰۹$ نسبت به سرمایه اجتماعی فردی با میانگین $۳۱/۷۷$ از وضعیت میانگین بالاتری برخوردار است ولی با توجه به سطح معنی‌داری آماری ($۰/۸۱۳$) این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار نیست. بنابراین می‌توان گفت دانشجویان شهری از میانگین سرمایه اجتماعی فردی بالاتر و دانشجویان روستایی از میانگین سرمایه اجتماعی نهادی برخوردارند ولی تفاوت مشاهده شده بین این میانگین‌ها از نظر آماری معنی‌دار نیست.

جدول شماره (۵): آزمون t همبسته برای بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی فردی و نهادی در بین دانشجویان شهری و روستایی

| محل سکونت خانواده | میانگین | تعداد | انحراف استاندارد | خطای انحراف میانگین |
|---------------------------|---------|-------|------------------|---------------------|
| سرمایه اجتماعی فردی شهر | ۳۲/۱۲ | ۳۰۵ | ۷/۰۲۹ | ۰/۵۳۰ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | ۳۰/۹۸ | ۳۰۵ | ۶/۵۶۱ | ۰/۴۹۵ |
| سرمایه اجتماعی فردی روستا | ۳۱/۷۷ | ۷۶ | ۶/۴۱۲ | ۰/۹۶۷ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | ۳۲/۰۹ | ۷۶ | ۴/۹۱۷ | ۰/۷۴۱ |

| نوع سرمایه اجتماعی | درجه آزادی | مقدار t | سطح معنی‌داری دو دامنه‌ای | خطای انحراف میانگین | تفاوت‌های جفت‌ها |
|-----------------------------|------------|---------|---------------------------|---------------------|------------------|
| محل سکونت خانواده دانشجویان | | | | | |
| سرمایه اجتماعی فردی شهر | ۳۰۴ | ۱/۶۳۳ | ۰/۱۰۴ | ۰/۶۹۹ | ۹/۲۷۸ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | | | | | |
| سرمایه اجتماعی فردی روستا | ۷۵ | -۰/۲۳۸ | ۰/۸۱۳ | ۱/۳۳۹ | ۸/۸۸۴ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | | | | | |

بر اساس نتایج آزمون فرضیه هفتم، در گروه دانشجویان رشته علوم انسانی، هویت اجتماعی سنتی با میانگین ۲۷/۴۶۵ نسبت به هویت اجتماعی مدرن با میانگین ۲۴/۲۷۴ دارای میانگین بالاتری است. در گروه دانشجویان رشته علوم پایه، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۵/۵ و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۱ می‌باشد. در گروه دانشجویان فنی و مهندسی میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۷/۹۶۹ و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۵/۴۵۴ می‌باشد. در هر گروه از دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف هویت اجتماعی سنتی دارای میانگین‌های بالاتری نسبت به هویت اجتماعی مدرن قرار می‌باشد و تحصیل دانشجویان در رشته‌های تحصیلی مختلف تأثیری در مدرن شدن هویت اجتماعی آنان ندارد. با مقایسه میانگین‌های مربوط به هویت اجتماعی مدرن در سه گروه تحصیلی (رشته‌های تحصیلی سه‌گانه)، دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی با میانگین ۲۵/۴۵۴ در رتبه اول، دانشجویان رشته‌های علوم انسانی با میانگین ۲۴/۲۷۴ در رتبه دوم و دانشجویان رشته‌های علوم پایه با میانگین ۲۱ در رتبه سوم قرار می‌گیرند.

بر اساس نتایج آزمون فرضیه هشتم، در گروه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی میانگین سرمایه اجتماعی فردی ۳۲/۳۸ و میانگین سرمایه اجتماعی نهادی ۳۰/۷۷ می‌باشد. در گروه دانشجویان رشته‌های علوم پایه میانگین سرمایه اجتماعی فردی ۳۶/۲۵ و میانگین سرمایه اجتماعی نهادی ۳۱/۲۵ می‌باشد. در هر دو گروه مذکور سرمایه اجتماعی فردی از میانگین بالاتری برخوردار می‌باشد.

در گروه دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی تفاوت بین میانگین‌های این دو متغیر از نظر آماری معنی‌دار نمی‌باشد. به عبارتی در گروه دانشجویان رشته‌های علوم پایه هیچ یک از انواع سرمایه اجتماعی از حالت غالب برخوردار نبوده و رشته تحصیلی دانشجویان موجب تفاوت در برخورداری از نوع خاصی از سرمایه اجتماعی در گروه دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی نمی‌شود.

جدول شماره (۶): آزمون t همبسته برای بررسی تفاوت سرمایه اجتماعی فردی و نهادی در بین دانشجویان رشته‌های تحصیلی مختلف

| رشته تحصیلی دانشجویان | میانگین | تعداد | انحراف استاندارد | خطای انحراف میانگین |
|----------------------------------|---------|-------|------------------|---------------------|
| سرمایه اجتماعی فردی علوم انسانی | ۳۲/۳۸ | ۲۵۳ | ۶/۶۵۳ | ۰/۵۵۱ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | ۳۰/۷۷ | ۲۵۳ | ۵/۹۱۲ | ۰/۴۸۹ |
| سرمایه اجتماعی فردی علوم پایه | ۳۶/۲۵ | ۱۴ | ۲/۴۱۸ | ۱/۹۱۶ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | ۳۱/۲۵ | ۱۴ | ۷/۴۲۱ | ۲/۶۲۴ |
| سرمایه اجتماعی فردی فنی و مهندسی | ۳۰/۸۲ | ۱۱۴ | ۷/۳۷۸ | ۰/۹۰۸ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | ۲۵/۴۵ | ۱۱۴ | ۶/۸۷۶ | ۰/۸۴۶ |

تفاوت‌های جفت‌ها

سطح معنی‌داری

نوع سرمایه اجتماعی

| رشته تحصیلی دانشجویان | درجه آزادی | مقدار t | دو دامنه‌ای | خطای انحراف میانگین | انحراف استاندارد | میانگین |
|----------------------------------|------------|---------|-------------|---------------------|------------------|---------|
| سرمایه اجتماعی فردی علوم انسانی | ۲۵۲ | ۲/۳۱۱ | ۰/۰۲۲ | ۰/۷ | ۸/۴۵۳ | ۱/۶۱۶ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | | | | | | |
| سرمایه اجتماعی فردی علوم پایه | ۱۳ | ۵/۶۴۱ | ۰/۰۰۱ | ۰/۸۸۶ | ۲/۵۰۷ | ۵ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | | | | | | |
| سرمایه اجتماعی فردی فنی و مهندسی | ۱۱۳ | -۱/۰۱۴ | ۰/۳۱۴ | ۱/۳۳ | ۱۰/۸۰۲ | -۱/۳۴۸ |
| سرمایه اجتماعی نهادی | | | | | | |

بر اساس نتایج آزمون فرضیه نهم، در گروه دانشجویان دختر میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۶/۶۸۲ و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۵/۱۷ می‌باشد. در گروه دانشجویان پسر، میانگین هویت اجتماعی سنتی ۲۸/۰۵۸ و میانگین هویت اجتماعی مدرن ۲۴/۱۱۵ می‌باشد. مقایسه میانگین‌های مربوط به نوع هویت اجتماعی (سنتی و مدرن) دو گروه از دانشجویان دختر و پسر نشان دهنده این است که در هر گروه دانشجویان دختر و پسر هویت اجتماعی سنتی از میانگین بالاتری نسبت به هویت اجتماعی مدرن برخوردار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که همه دانشجویان (دختر و پسر) از نظر هویت اجتماعی سنتی بوده و جنسیت آنان تأثیری در میزان گرایش آنان به هویت اجتماعی مدرن ندارد. بر این اساس نمی‌توان دانشجویان دختر و پسر را از نظر نوع هویت اجتماعی غالب تفکیک کرد و در هر کدام از این دو گروه، نوع خاص و متفاوتی از هویت اجتماعی قابل مشاهده نیست.

بر اساس نتایج آزمون فرضیه دهم، در گروه دانشجویان پسر سطح معنی‌داری آماری آزمون t همبسته برای مقایسه دو نوع سرمایه اجتماعی (فردی و نهادی) بیانگر آن است که هر دو نوع سرمایه اجتماعی نزد دانشجویان پسر از میزان یکسانی برخوردار بوده و نزد این دانشجویان هیچ یک از اشکال سرمایه اجتماعی از حالت غالب برخوردار نمی‌باشند.

نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، دانشجویان مورد مطالعه با توجه با شاخص‌هایی که برای تعیین و تشخیص سنتی یا مدرن بودن هویت اجتماعی آنان مورد استفاده قرار گرفته است، حدود ۳۳ درصد دارای هویت اجتماعی سنتی، ۲۱/۴ درصد دارای هویت اجتماعی مدرن و ۴۵ درصد دارای هویت اجتماعی بینابین محسوب می‌شوند. بنابراین با توجه به این که اکثریت نمونه آماری در بین دو طبقه اصلی هویتی قرار دارند، می‌توان نوعی بلاتکلیفی را در دانشجویان مورد مطالعه در زمینه تعلق به زمینه‌های فکری سنتی و مدرن شکل دهنده هویت اجتماعی مشاهده کرد. این امر بیان‌گر آن است که فضای فرهنگی

حاکم بر جامعه مورد مطالعه تا حدود زیادی پابندی به سنت‌های فرهنگی و اجتماعی را از افراد طلبیده و در این مسیر تا حدی توانسته است موفق عمل نماید و نیروهای اجتماعی مدرن هنوز نتوانسته‌اند در قالب نهادها، افکار، اندیشه‌ها و رویه‌های مدرن فکری و هویت‌یابی در جریان بازاندیشی فکری و هویتی جوانان این جامعه جای در خور توجهی برای خود باز کنند که این امر ضمن تایید پافشاری افراد، نهادها و ساختارهای گذشته‌گرای مسلط جامعه به حفظ قالب‌های فکری و هنجاری جهت شکل‌دهی به الگوهای فکری و رفتاری نسل جوان مطابق با الزامات سنتی و ذائقه‌های فرهنگی خود، در راستای نظریه‌گیدنز که معتقد است سنت در باز ترکیب با «رخوت عادت» حتی در مدرن‌ترین جوامع می‌تواند هم چنان نقش بازی کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۵)، در جامعه ایران به نظر می‌رسد که سنت توانسته است این نقش را در جامعه دانشجویی نیز به خوبی ایفا کند.

به نظر می‌رسد فرایند مدرنیته که می‌تواند به زعم گیدنز با ترکیب عناصر سنتی و مدرن زندگی اجتماعی، زمینه‌رهایی فرد از دایره تنگ نهادها و عوامل سنتی هویت‌ساز را فراهم آورد، در حدی متوسط توانسته است چنین زمینه‌ای را برای حرکت مطلوب به سوی مدرن شدن فراهم نماید و تعلق-های هویتی افراد را از زمینه‌های کاملاً سنتی به سوی عناصر مدرن هدایت کند. نتایج تحقیق حاضر نیز با توجه به این که اکثر دانشجویان مورد بررسی از نظر هویت اجتماعی در حالت بینابین قرار داشته و تعداد افراد دارای هویت اجتماعی مدرن نیز در حد متوسط می‌باشد، بیانگر حرکت عناصر مهم هویت‌یابی جوانان جامعه ایران به سمت تلفیق عناصر ملی و بومی با عناصر مدرن می‌باشد.

با توجه به این که دانشجویان شهری و روستایی هر دو از هویت اجتماعی سنتی بالاتری برخوردار بوده و تفاوت در محل سکونت آنان موجب تفاوت در نوع هویت اجتماعی آنان نگردیده است. می‌توان نتیجه گرفت که یا عناصر مدرن اثرگذار بر طرز فکر دانشجویان در محیط‌های شهری از درجه بالای تاثیر برخوردار نیستند و یا این عناصر در محیط‌های روستایی نیز به اندازه محیط‌های شهری بر آنان تاثیر گذاشته و تفاوت‌های ناشی از سکونت در مناطق شهری و روستایی را تضعیف کرده است. در زمینه برجستگی اشکال مختلف سرمایه اجتماعی (فردی و نهادی) در دو محیط شهری و روستایی نیز که انتظار می‌رود شکل فردی آن در محیط‌های روستایی که از بافتی سنتی برخوردارند، برجسته باشد و شکل نهادی آن در محیط‌های شهری که از عناصر مدرن تاثیرپذیری بیشتری دارند، از حالت مسلط‌تری برخوردار باشد نیز همین وضعیت مشاهده می‌گردد.

تحصیل دانشجویان در رشته‌های مختلف تحصیلی تاثیری بر گرایش بیشتر آنان به هویت اجتماعی مدرن نداشته و در هر سه گروه دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، علوم پایه و فنی و مهندسی، هویت اجتماعی دانشجویان از حالتی بینابین (بین سنتی و مدرن) برخوردار می‌باشد در حالی که انتظار می‌رود دانشجویان علوم انسانی با توجه به آشنایی با مبانی فلسفی این علوم و برخورداری از توانایی تفکر انتقادی، در مقایسه با دانشجویان سایر رشته‌ها از افق دید بازتری برخوردار بوده و آمادگی پذیرش

بیشتری برای جذب عناصر مدرن تاثیرگذار بر هویت اجتماعی خود داشته باشند. به نظر می‌رسد دلیل این امر یا به فضای کلی معرفتی حاکم بر دانشگاه که بنابر ملاحظات هستی‌شناختی علوم انسانی و عدم انطباق این ملاحظات با اقتضائات خاص جامعه ایران، نتوانسته است فضای نقد واقعی را در میان دانشجویان علوم انسانی ایجاد کند، بر می‌گردد و یا این‌که اصولاً در جوامعی که تحصیلات دانشگاهی عاملی برای تفکیک عالمان تحصیل کرده در حوزه‌های مختلف دانش نیست، نباید انتظار داشت که دانشجویان به طور اعم و دانشجویان علوم انسانی به طور اخص در مواجهه با عناصر شکل دهنده هویت اجتماعی و نیز عناصر اثرگذار بر شکل روابط اجتماعی که سرمایه اجتماعی یکی از جلوه‌های آن است، به طور معنی‌داری متفاوت از دیگران باشند. با این حال اگرچه در تحقیق حاضر عناصر مدرنیته اثر عمیقی بر متغیرهای اساسی مورد بررسی نشان نمی‌دهند، با این حال بر اساس تئوری‌های رایج در ادبیات این مفاهیم، خط سیر مطرح شده در چارچوب نظری تحقیق به خوبی گویای این اثرگذاری می‌باشند. بنابراین به نظر می‌رسد جهت هدایت فکری دانشجویان در مسیر مطابقت با پیش‌نیازهای مدرنیته و حرکت در مسیر تجدد که از نیازهای جامعه ایران در شرایط کنونی است (چرا که این جریان با هر تعبیری که از آن بشود، در جامعه ما شروع گردیده و مسیر خود را علیرغم مخالفت‌هایی که از طرف گروه‌های مختلف اجتماعی در مقابل آن ابراز گردیده و مقاومت‌هایی که در برابر آن شده است، هرچند با افت و خیزهای حتی شدید، پیموده است) بایستی جریان مدرنیته و عناصر اجتماعی آن از سوی روشنفکران ایرانی در حوزه‌های مختلف اندیشگی به خوبی بازشناسی گردیده و با نقد نکات مغایر با فرهنگ جامعه ایران، الزامات جهانی آن با فرهنگ اسلامی- ایرانی جامعه ما بازیابی گردیده و به جامعه دانشگاهی معرفی گردد تا زمینه علمی و عملی برای تلفیق عناصر سنتی جامعه ایران با نمودهای مدرنیته در عرصه‌های اجتماعی مختلف فراهم گردیده و شاهد هم‌افزایی این عناصر در کنار هم در سطح رفتارها و کنش‌های اجتماعی افراد جامعه باشیم.

بر این اساس مسئولین و برنامه‌ریزان فرهنگی و دانشگاهی برای تقویت هویت اجتماعی دانشجویان در مسیر پیوند با الزامات و پس‌زمینه‌های مدرنیته، همزمان با کمک به حفظ عناصر غیر قابل چشم‌پوشی میراث سنتی و پیوندیافته با عناصر فرهنگی دیرپای جامعه ایران و کمک به مسیریابی صحیح جریان بازاندیشانه هویت اجتماعی، متناسب با شرایط اجتماعی جدید و نوشونده مداوم این جامعه و نیز برای تقویت سرمایه اجتماعی از این رهگذر در این قشر تاثیرگذار در جامعه ایران می‌بایست:

- با ایجاد و گسترش زمینه برای فعالیت دانشجویان در تشکلهای علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دانشجویی، متناسب با شان اجتماعی و علمی این قشر، زمینه مناسب را برای مشارکت همه‌جانبه دانشجویان در این تشکلهای فراهم آورند تا از این طریق ضمن بالا بردن میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان، بسترهای لازم را برای ورود آنان به عرصه‌های مختلف اجتماعی در آینده فراهم نمایند.

- با بسط و گسترش روحیه تفاهم و همکاری متقابل و تمرکز بر منافع اجتماعی در کنار منافع شخصی، زمینه را برای گسترش اعتماد اجتماعی بین دانشجویان فراهم نموده و از این طریق روحیه تقدم مصالح و منافع جمعی بر منافع فردی را ترویج نمایند.

- با آموزش‌های مداوم و بهسازی سازمانی و نیروی انسانی در مجموعه دانشگاه (از حیث آموزش‌های علمی و آکادمیک و مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، احساس رضایت از کارکنان و اعتماد اجتماعی متقابل بین دانشجویان و کارکنان دانشگاه را تقویت کرده و از این طریق و با بالا بردن سطح اعتماد اجتماعی نهادی، دست‌یابی به اهداف سازمانی و آموزشی را تسهیل نمایند.

- با ایجاد و گسترش زمینه و بسترهای لازم برای استفاده هر چه بیشتر دانشجویان از وسایل ارتباط جمعی و بهره‌گیری از فضای اینترنت و امکانات موجود در آن و به ویژه شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی و منابع مکتوب معتبر مانند کتاب، نشریات علمی- پژوهشی معتبر، روزنامه و اینترنت و ... در فضایی مناسب در دانشگاه و بیرون از آن، دانشجویان را در معرض یافته‌های نوین علمی و اجتماعی و سیاسی قرار دهند تا از این طریق اطلاعات، آگاهی و دانش عمومی و تخصصی دانشجویان به روزتر شده و در بازاندیشی افکار و عقاید مختلف مربوط به زندگی اجتماعی‌شان و ساختن هویت اجتماعی متناسب با فرهنگ جامعه، از آن بهره‌مند گردند.

منابع

- آشوری، د. (۱۳۷۷). ما و مدرنیته. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- احمدلو، ح؛ و دیگری. (۱۳۸۱). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز. تهران: نشریه مطالعات ملی. شماره ۱۳.
- احمدی، ح. (۱۳۸۲). ایران: هویت، ملیت، قومیت (مجموعه مقالات). تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- الوانی، س، م؛ و دیگری. (۱۳۸۱). سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها. تهران: فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴.
- برمن، م. (۱۳۸۱). تجربه مدرنیته. ترجمه: م، فرهادپور. تهران: طرح نو.
- بوردیو، پ. (۱۳۸۱). نظریه کنش. ترجمه: م، مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
- پاتنام، ر. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. ترجمه: م، ت، دلفروز. تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- توسلی، غ. (۱۳۷۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- جنکینز، ر. (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه: ت، یاراحمدی. تهران: نشر شیرازه.
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه: م، ثلاثی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رحمانی، م؛ و دیگری. (۱۳۸۷). اندازه‌گیری و مقایسه سرمایه اجتماعی در بخش‌های دولتی و خصوصی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی ارتباطات. تهران: انتشارات اطلاعات.
- سی‌کرین، و. (۱۳۷۰). پیشگامان روان‌شناسی رشد. ترجمه: ف، فدایی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- عبداللهی، م. (۱۳۸۰). هویت جمعی؛ دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران. تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران، دفتر اول.
- فاین، ب. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و نظریه اجتماعی. ترجمه: م، ک، سروریان. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فوکویاما، ف. (۱۳۸۵). پایان نظم: «سرمایه اجتماعی و حفظ آن». ترجمه: غ، توسلی. تهران: انتشارات حکایت قلم نوین.

- کلمن، ج. (۱۳۷۷). **بنیادهای نظریه اجتماعی**. ترجمه: م، صبوری. تهران: نشر نی.
- گل‌محمدی، ا. (۱۳۸۱). **جهانی شدن، فرهنگ و هویت**. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۶). **جامعه‌شناسی**. ترجمه: م، صبوری. تهران: نشر نی.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۰). **پیامدهای مدرنیته**. ترجمه: م، ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۵). **تجدد و تشخیص؛ جامعه و هویت شخصی در عصر جدید**. ترجمه: ن، موقتیان. تهران: نشر نی.
- Giddens, A. (1994). **The consequences of modernity**. Stanford. Cliff, Stanford University Press.
- Stone, W. (2001). **Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life**. Research Paper No. 24, Australian Institute of Family Studies, Melbourne, available at <http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone.html>.
- Stone, W. & Hughes. J. (2002). **Social Capital: Empirical Meaning and Measurement Validity**. Research Paper 27, Australian Institute of Family Studies, Melbourne, available at <http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone2.html>.

Archive of SID